

« لوح محفوظ »

(مبنای وجودی کتاب در تفکر اسلامی)

محمود تقدی جامی

تفکر اسلامی همواره براساس قرآن و احادیث منقول از پیامبر اکرم (ص) در بین عامه مسلمین شکل گرفته است. برای اینکه در این مقال، صحت و سقم حدیث مطرح نگردد، به قرآن بسنده کرده‌ایم و براساس آخرین و جامعترین تفسیر قرآن، خصوصاً نزد شیعه، یعنی تفسیر شریف «المیزان»، موضوع مورد بحث را مطرح می‌سازیم.

طبق کتاب «فرهنگ آماری کلمات قرآن» لفظ «کتاب» ۲۳۰ دفعه در قرآن تکرار شده و دارای معانی متفاوتی است. اما در این مقاله فقط یکی از آن معانی مطرح می‌شود و این مفهوم به صورت عباراتی در قرآن آمده که لفظ «کتاب» در تمامی آنها مشترك است.

البته ناگفته نماند که معنای مزبور فقط در يك آیه، آن هم تحت عنوان «امام مبین»، در قرآن به کار رفته است که در انتهای بحث آن را ذکر خواهیم کرد. مفهوم مورد نظر در این مقاله «لوح محفوظ» می‌باشد که فقط در آیه ۲۲ سوره بروج آمده است:

«بل هو قرآن مجید (۲۱) فی لوح محفوظ (۲۲)»

(بلکه آن قرآن مجید است (۲۱) که در «لوح محفوظ» جای دارد (۲۲))
از این دو آیه برمی‌آید که «لوح محفوظ» ظرف است از برای قرآن، یعنی قرآن مجید در درون «لوح محفوظ» جای دارد و این برآن محاط است.
اما در اینجا نگاهی به فهرست آیاتی که این معنا در آنهاست، می‌اندازیم و

لفظ «کتاب» در تمامی آنها آمده است.

(لفظ)

(شماره سوره: آیه)

۱- کتاب ۶: ۳۸، ۱۸: ۲۷، ۳۵: ۱۱، ۲۰: ۵۲، ۲۳: ۶۲،

۲۲: ۷۰، ۵۷: ۲۲، ۱۳: ۱.

۲- أمّ الكتاب ۱۳: ۳۹، ۴۳: ۴.

۳- کتاب الله ۹: ۳۶، ۳۳: ۶.

۴- کتاب حفیظ ۵۰: ۴.

۵- کتاب مبین ۶: ۵۹، ۱۰: ۶۱، ۱۱: ۶، ۱۲: ۱، ۲۷: ۷۵، ۳۴: ۳.

۶- کتاب مسطور ۱۷: ۵۸، ۳۳: ۶.

۷- کتاب مکتون ۵۶: ۷۸.

به این فهرست بایستی آیه ۱۲ سوره ۳۶ را هم افزود، اگرچه در این آیه عبارت «امام مبین» به مفهوم «لوح محفوظ» آمده است و دارای لفظ «کتاب» نیست. حال، به ترتیب، هریک از این الفاظ و عبارات را به طور جداگانه مورد مطالعه قرار می دهیم و مفهوم «لوح محفوظ» را آن گونه که مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر خود بیان داشته است، ذیل آیات مربوطه بررسی می کنیم.

«کتاب به مفهوم لوح محفوظ»

آیات مربوط به این لفظ و معنی به تفکیک مکی و مدنی عبارتند از:

مدنی	مکی
۱: ۱۳	۳۸: ۶
۷۰: ۲۲	۲۷: ۱۸
۲۲: ۵۷	۵۲: ۲۰
	۶۲: ۲۳
	۱۱: ۳۵

در تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبائی ذیل آیه ۳۸ سوره ۶ چنین می نویسد: «یکی اینکه مراد از آن، لوح محفوظی باشد که خدای سبحان در مواردی از کلام خود، آن را کتابی نامیده که تمامی اشیاء که بوده و هست و خواهد بود، در آن نوشته شده است».^۲ در ذیل آیه ۷۰ سوره ۲۲، علاوه بر این، اشاره دارد که این امر برای خداوند سهل و آسان است.^۳ از ویژگیهای دیگر این کتاب آن است که نوشته هایش تغییر نمی یابد^۴ و گویای حق است و هیچ باطلی در آن راه ندارد.^۵

«ام الكتاب»

عبارت «ام الكتاب» در ۳ آیه از آیات قرآن به کار رفته است:

سوره: آیه

۳ : ۷ مدنی

۱۳ : ۳۹ »

۴۳ : ۴ مکی

در اولین مورد، «ام الكتاب» اشاره به آیات محکم در قرآن دارد و در المیزان، ذیل آیه مزبور بحث مفصلی درباره آیات محکم و متشابه شده است.^۶ اما دو مورد دیگر به مفهوم «لوح محفوظ» می باشد. در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۳۹ سوره ۱۳، به نقل از امام صادق (ع) روایتی است که «ام الكتاب» را به «لوح محفوظ» تعبیر کرده است.^۷ در مورد آیه ۴ سوره ۴۳ هم همین مفهوم را برای «ام الكتاب» قائل شده و در جایی می گوید «لوح محفوظ ریشه تمامی کتب آسمانی است و هر کتاب آسمانی از آن استنساخ می شود».^۸

«کتاب الله»

در آیه ۳۶ سوره ۹ چنین می خوانیم:

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ...»

ترجمه: «به درستی که عدد ماهها نزد خدا دوازده ماه است، در همان روزی که آسمانها و زمین را آفرید و در کتاب او چنین بوده، از این دوازده ماه چهار ماه حرام است...»

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان برای این عبارت مفهوم «کتاب تکوین» را قائل شده است^۹ که همان «لوح محفوظ» می باشد. در تفسیر آیه ۶ سوره ۳۳ هم چندین معنا برای این عبارت قائل شده که «لوح محفوظ» یکی از آنهاست.^{۱۰}

«کتاب حفیظ»

این عبارت به مفهوم «لوح محفوظ»، فقط در آیه ۴ سوره ۵ به کار رفته است: «قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُضُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ».

ترجمه: «با اینکه ما می دانیم که زمین از ایشان چه مقدار کم می کند و نزد ما کتابی است که از خطر اشتباه و یا حوادث محفوظ است.»

تفسیر: «... و نزد ما کتابی است که حافظ هر چیز است، بلکه آثار و احوال هر چیزی را هم ضبط می کند، و یا معنایش این است که نزد ما کتابی است که خود آن کتاب محفوظ است و حوادث آن را دچار دگرگونی و تحریف نمی کند، و آن کتاب عبارت است از «لوح محفوظ» که تمامی آنچه بوده و آنچه هست و آنچه تا قیامت خواهد بود، در آن کتاب محفوظ است.»^{۱۱}

چنانچه از تعبیر علامه در مورد صفت «حفیظ» بر می آید، این کتاب هم خود محفوظ است و هم هر آنچه در آن است از حوادث و دگرگونیها مصون می باشد.

«کتاب مبین»

عبارت فوق اگرچه دوازده بار در آیات قرآن تکرار شده است، ولی فقط شش مورد آن به مفهوم «لوح محفوظ» است.

سوره : آیه	سوره : آیه
۲۷ : ۷۵	۶ : ۵۹
۲۸ : ۲	۱۰ : ۶۱
۳۴ : ۳	۱۱ : ۶

در اولین مورد، یعنی آیه ۵۹ سوره انعام (۶) چنین آمده است:

« وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا أَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ».

ترجمه: « و نزد خداست خزینه‌های غیب، و نمی‌داند آنها را مگر خودش، و می‌داند هرچه را که در بیابان و دریاست، و نمی‌افتد برگ‌گی از درختان مگر اینکه او از افتادنش با خبر است، و نیست دانه‌ای در تاریکیهای زمین و نیست هیچ تری و خشکی مگر اینکه در کتاب مبین خداست ».

در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیه چنین آمده است:

« این آیه دلالت دارد بر اینکه این امور در کتاب مبین قرار دارند. بنابراین، جای این سؤال هست که آیا این امور هم از جهت غیب و هم از جهت شهودش در کتاب مبین هستند و یا آنکه تنها از جهت غیب بودن؟ و به عبارت دیگر، آیا کتاب مبین عبارت است از همین عالم کون که اجرام امور نامبرده را در خود جای داده، یا آنکه کتاب مبین چیز دیگری است که تمامی موجودات به نحو مخصوصی در آن نوشته و به قسم خاصی در آن گنجانده شده است؟ به طوری که از ادراک اندیشمندان این عالم غایب و از حیطة علم هر صاحب علمی بیرون است! و معلوم است که اگر معنای کتاب مبین این باشد، محتویات آن همان غیب مطلق خواهد بود.»

سپس، رابطه این کتاب با موجودات خارج به استناد آیات ۲۲ سوره حدید و ۶۱ سوره یونس و ۵۲ سوره طه را ادامه داده و نتیجه می‌گیرد که:

« کتاب مبین هرچه باشد، یک نحو مغایرتی با این موجودات خارجی دارد. کتابی است که نسبت به موجودات خارجی تقدم داشته، بعد از فنای آنها هم باقی

می ماند. عیناً مانند خطوط برنامه‌ای که مشتمل بر مشخصات عمل بوده، قبل از عمل وجود داشته و بعد از آن هم باقی می ماند.»

پس از آن با استناد به آیات ۳۹ سوره رعد و ۲۲ سوره بروج و ۴ سوره ق می فرماید که:

«این آیات به طوری که ملاحظه می کنید، دلالت دارند بر اینکه این کتاب در عین اینکه مشتمل است بر جمیع مشخصات حوادث و خصوصیات اشخاص و تغییراتی که دارند، در عین حال خودش تغییر و دگرگونی ندارد.»

از اینجا معلوم می شود «کتاب مبین» از یک جهت با مفاتح غیب و خزینه‌های اشیائی که نزد خداست تفاوت و مغایرت دارد، برای اینکه خدایتعالی آن مفاتح و خزینه‌ها را این طور وصف فرموده که دارای اندازه و قابل تحدید نیست. وقتی محدود می شود که از آن خزینه‌ها بیرون شده و به این عالم که عالم مشهود است، نازل شود، و کتاب مبین را این طور وصف کرده که مشتمل است بر دقیقترین حدود موجودات و حوادث.

پس، کتاب مبین از این جهت با خزینه‌های غیب فرق دارد. کتاب مبین چیزی است که خدایتعالی آن را به وجود آورده تا سایر موجودات را ضبط نموده، آنها را بعد از بیرون شدن از خزائن و قبل از رسیدن به عالم وجود و همچنین بعد از آن و بعد از طی شدن دورانشان، در این عالم حفظ نماید. شاهد این معنا این است که خدایتعالی در قرآن در مواردی از این کتاب اسم برده که خواسته است احاطه علمی پروردگار را به اعیان موجودات و حوادث جاریه جهان برساند، چه آن موجودات و حوادثی که مشهود برای ما هستند، و چه آنهایی که از ما غایبند. و اما غیب مطلق را که احدی را بدان راهی نیست، این طور وصف کرده که این غیب در خزینه‌ها و در مفاتحی قرار دارد که نزد خداست و کسی را، جز خود او، بر آن آگهی نیست، بلکه بعضی آیات دلالت و یا لااقل اشعار دارد بر اینکه ممکن است دیگران هم بر کتاب نامبرده اطلاع پیدا کنند، ولکن احاطه بر خزینه‌های غیب مخصوص خداست، مانند آیه ۷۹ سوره واقعه.^{۱۱}

پس، خزائن غیب و کتاب مبین در اینکه هر دو شامل تمامی موجوداتند،

تفاوت ندارند. و همان طوری که هیچ موجودی نیست مگر اینکه برای آن در نزد خدا خزینه‌ای است که از آنجا مدد می‌گیرد، همچنین هیچ موجودی نیست مگر اینکه کتاب مبین آن را قبل از هستیش و در هنگام پیدایش و بعد از آن ضبط نموده و برمی‌شمارد، جز اینکه کتاب مبین از خزینه‌های غیب درجه‌اش نازلتر است. اینجاست که برای هر دانشمند متفکری این معنا روشن می‌شود که کتاب مبین در عین اینکه صرفاً کتابی است و بس، در عین حال از قبیل کاغذ و لوح هم نیست. چه اوراق مادی هر قدر هم بزرگ باشد و هر طوری هم که فرض شود، گنجایش آن را ندارد که حتی تاریخ ازلی خودش در آن نوشته شود، تا چه رسد به اینکه تاریخ ازلی و ابدی موجودات دیگر در آن درج و تاریخ ازلی و ابدی تمامی موجودات در آن ضبط شود.

پس، مراد از کتاب مبین امری است که نسبتش به موجودات، نسبت برنامه عمل است به خود عمل، و هر موجودی در این کتاب يك نوع اندازه و تقدیر دارد، الا اینکه خود این کتاب موجودی است که قبل از هر موجودی و در حین وجود یافتن و بعد از فناي آن وجود داشته و خواهد داشت، موجودی است که مشتمل است بر علم خدایتعالی به اشیاء یا همان علمی که فراموشی و گم کردن حساب در آن، راه ندارد.

لذا از این جهت می‌توان حدس زد که مواد از کتاب مبین مرتبه واقعی اشیاء و تحقق خارجی آنها باشد که قابل پذیرفتن هیچ گونه تغییری نیست. آری موجودات وقتی قابل تغییر نیستند که در عرصه این عالم قرار گرفته باشند، وگرنه قبل از وقوع در این عالم عروض تغییر بر آنها ممتنع نیست، و لذا گفته‌اند: «ان الشیء لا یتغیر عما وقع علیه: هیچ چیزی از آن حالتی که بر آن حال وقوع یافته، تغییری نمی‌کند».

و کوتاه سخن این کتاب، کتابی است که جمیع موجوداتی را که در عالم صنع و ایجاد واقع شده‌اند برشمرد، و آنچه را که بوده و هست و خواهد بود احضار کرده است، بدون اینکه کوچکترین موجودی را از قلم انداخته باشد.^{۱۳}

«کتاب مسطور»

براساس المیزان، «لوح محفوظ» به صورت عبارت «کتاب مسطور» در دو آیه از آیات قرآن آمده است:

سوره آیه

۱۷ : ۵۸

۳۳ : ۶

«... كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا.»

ترجمه: «... و این در کتاب نوشته شده است.»

در تفسیر المیزان چنین تعبیر شده است «... مراد به کتاب لوح محفوظ است...»^{۱۴}

«... كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا.»

ترجمه: «... این حکم در لوح محفوظ هم نوشته شده بود.»

که در تفسیر چنین تعبیر شده است: «یعنی حکم فعل معروف، و وصیت کردن چیزی از مال، در لوح محفوظ یا در قرآن و یا در سوره نوشته شده..»^{۱۵}

«کتاب مکنون»

این عبارت فقط در آیه ۷۸ سوره ۵۶ به کار رفته است.

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ. فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ. لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

ترجمه: «که این کتاب، خواندنی شده، ارجمندی است که قبلاً در کتابی پنهان از بشر بود. که جز پاکان کسی از آن آگاه نیست. بشری شده و درخور گشته از ناحیه رب العالمین است.»

در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیات چنین آمده است:

و جمله (فی کتاب مکنون) توصیف دوم قرآن است، می فرماید قرآن محفوظ و مصون از هر دگرگونی و تبدیل است، چون در کتابی است که آن کتاب این طور است و آن کتاب عبارت است از «لوح محفوظ»، همچنانکه در جایی دیگر فرموده: (بل هو قرآن مجید. فی لوح محفوظ)، بلکه آن قرآن مجید است که در لوح محفوظ

است)، (بروج : ۲۲).

و جمله (لا یمسه الا المطهرون) صفت کتاب مکنون و لوح محفوظ است، البته احتمال این نیز هست که صفت سومی برای قرآن باشد، و بنابراین که حرف (لا) در آن لا نافی باشد، برگشت هر دو احتمال به يك معناست و معنایش این است که آن کتاب مکنون که قرآن در آن است و یا قرآنی که در آن کتاب است، از دسترس اغیار و ناپاکان محفوظ است و به جز پاکان، کسی با آن تماس ندارد.

سپس ضمن اشاره به اینکه مس کردن قرآن همان دست کشیدن به خطوط آن نیست، بلکه علم به معارف آن نیز می باشد و جز پاکان خلق، کسی به معارف آن عالم نمی شود، این آیات را با آیات سوره زخرف تطبیق می دهد و می فرماید: «انا جعلنا قرآناً عربياً لعلکم تعقلون، وانه فی ام الكتاب لدنیا لعلی حکیم». ترجمه: «ما آن را کتابی خواندنی و عربی کردیم تا شاید شما تعقل کنید، وگرنه قرآن در ام الكتاب است که نزد ما مقامی بلند و فرزانه دارد.»

از این تطبیق برمی آید که منظور از «ام الكتاب» و «کتاب مکنون» یک کتاب است و آن، همان «لوح محفوظ» می باشد.^{۱۶}

«امام مبین»

این لفظ که در آیه ۱۲ سوره ۳۶ آمده، به تعبیر علامه طباطبائی، منظور از آن همان لوح محفوظ است، لوحی که از دگرگونیها محفوظ می باشد و مشتمل است بر تمامی جزئیاتی که خدای سبحان قضاءش را در خلق رانده و آمار همه چیز در آن هست.^{۱۷}

«... و کلّ شیء احصیناه فی امام مبین - ما هر چیزی را در امامی مبین بر

شمرده ایم.»

علاوه بر اسامی یاد شده، بایستی يك مورد دیگر را افزود. در آیه ۲۹ سوره

۷۸ همین مفهوم در قالب لفظ «کتاباً» آمده است.

« نتیجه گیری »

- از بررسی آیات و مطالب ارائه شده در این مقاله، به نتایج زیر دست می یابیم:
- ۱- لوح محفوظ قبل از خلقت به وجود آمده است و بر آن تقدّم دارد. پس، قبل از به وجود آمدن هستی و شکل گرفتن پدیده ها و هر معنا و مفهومی که امروز ما ۹۹ از آنها در ذهن داریم، «کتاب» به وجود آمده است. از این جهت بر هستی تقدّم دارد.
 - ۲- پس از هستی هم وجود خواهد داشت. یعنی بر خلقت تأخّر هم دارد و از بین نمی رود.
 - ۳- جنس این کتاب مادی نیست بلکه بایستی از عالم غیب باشد، زیرا در صورت مادی بودن محدود می شود و نمی توان قبول کرد که تمام آنچه در هستی بوده و هست و خواهد بود، در آن، جای می گیرد. و چون این گونه نیست، پس بایستی از جنس غیر مادی باشد، لذا نتیجه گرفته می شود که از جنس غیب است و از نظر ما مکنون می باشد.
 - ۴- در مقابل حوادث و دگرگونیها، مصون و محفوظ است و هیچ اشتباهی در آن راه ندارد.
 - ۵- این کتاب در نزد خداوند است و هیچ کس جز او بدان دسترسی ندارد، مگر «مطهرون».
 - ۶- لوح محفوظ در قرآن دارای هشت نام دیگر است که بیش از همه، لفظ «کتاب» این معنا را به خود گرفته است.
- پس مبنای وجودی کتاب در اسلام «لوح محفوظ» است و به هیچ وجه به مظاهر مادی آن محدود نمی شود.

« یادداشتها »

- ۱- روحانی، محمود. المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن کریم، فرهنگ آماری کلمات قرآن. - مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸. ج ۳، ص ۱۲۱۱.
- ۲- طباطبائی، محمد حسین. ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. - تهران: محمدی، ۱۳۶۳ - ج ۱۳، ص ۱۲۷-۱۲۶.
- ۳- همان مأخذ. ج ۲۸، ص ۲۹۷.
- ۴- ج ۳۳، ص ۴۲ - مربوط به آیه ۱۱ سورة ۳۵.
- ۵- ج ۲۹، ص ۶۳-۶۵ - مربوط به آیه ۶۲ سورة ۲۳.
- ۶- ج ۵، ص ۴۱ - ۳۶.
- ۷- ج ۲۲، ص ۳۰۳-۳۰۴.
- ۸- ج ۳۵، ص ۱۳۵.
- ۹- ج ۱۸، ص ۱۲۱.
- ۱۰- ج ۳۲، ص ۱۲۶.
- ۱۱- ج ۳۶، ص ۲۲۲.
- ۱۲- ج ۱۳، ص ۲۰۱: در کتابی که از خلق نهان است و جز پاکان به آن دسترسی ندارند.
- ۱۳- همان مأخذ. ج ۱۳، ص ۲۲۷-۲۳۰.
- ۱۴- ج ۲۵، ص ۲۲۸.
- ۱۵- ج ۳۲، ص ۱۲۶-۱۲۷.
- ۱۶- ج ۳۷، ص ۲۸۱-۲۸۴.
- ۱۷- ج ۳۳، ص ۱۰۷-۱۰۸.

توضیح: تمامی آیات و ترجمه‌ها براساس ترجمه تفسیر المیزان، نسخه چهل جلدی می باشد.